

مواضع اولیه ایران و انگلیس در برابر مسئله لغو تجارت برده در خلیج فارس (دوران محمد شاه قاجار ۱۲۵۰-۱۲۶۴ قمری)

چکیده

در سده نوزدهم میلادی یکی از نمودهای بارز و برجسته تقابل سرمایه‌داری خارجی با مواضع سنتی ایران، در رویکردهای انگلیس و ایران بر سر مسئله لغو تجارت برده در خلیج فارس دیده می‌شود. در این زمان تجارت کهن و سنتی بردگان آفریقایی در خلیج فارس سبب تکاپوی به ظاهر آزادیخواهانه و بشردوستانه قدرتی چون انگلیس برای لغو تجارت برده و برده‌داری شد؛ این موضوع در بلندمدت ایران را زیر فشار و در وضعیت چوچون گرایش - تضاد قرار داد (گرایش به حفظ مواضع سنتی و تضاد با برتری طلبی قدرتهای خارجی) و در کنار دیگر عوامل خارج از این بحث و رقابت قدرتهای بزرگ (انگلیس، روسیه و فرانسه) حکومت قاجاریه را وادار کرد تا به خواسته‌های مقطعی و بلندمدت انگلیس پاسخ مثبت دهد و این امر به خواست اساسی این کشور، یعنی نفوذ تدریجی در آبهای خلیج فارس قوت بخشید.

واژگان کلیدی: ایران، انگلیس، تجارت برده، خلیج فارس.

مقدمه

در بررسی تاریخ درهم تنیده ایران دوران قاجاریه، مطالعه اسناد و مدارک چاپ نشده، پژوهشگر مشتاق را به درک و دریافتی شفافتر از رویدادهای گوناگون می‌رساند. از آنجا که موضوع این نوشتار در منابع تاریخی چندان مطرح نشده است، مطالعه اسناد مرتبط با آن می‌تواند تصویری روشن از مطلب ارائه دهد. در آغاز مقاله با نگاهی کوتاه به شکل‌گیری روابط ایران و انگلیس از اوایل دوره قاجار تا بر تخت نشستن محمدشاه، براساس اسناد روابط ایران و انگلیس در زمینه اجرای قانون منع تجارت برده در آبهای خلیج فارس موضوع بررسی خواهد شد.



از ابتدای برقراری روابط ایران و انگلیس در زمان ملکه الیزابت و شاه طهماسب صفوی تا اوایل دوران قاجار و به قدرت رسیدن فتحعلی‌شاه، تجارت در خلیج فارس در دست کمپانی هند شرقی انگلیس بود، اما با قدرتمند شدن ناپلئون در اروپا و رقابت او با قدرت رو به گسترش انگلیس و سپس روسیه در شرق؛ حمله زمان شاه به شمال هند و به خطر افتادن این کشور از چند سو، انگلیس فعالیتهای تجاری خود را در ایران به منظور حفظ هند و اهمیت ایران به ویژه منطقه خلیج فارس در گردونه تجارت بین‌المللی به سوی فعالیتهای سیاسی راند و بدین‌سان نمایندگان و سفیران وزارت امور خارجه و یا مأموران کمپانی هند شرقی اجرای سیاستهای موردنظر را در ایران پیگیری می‌کردند.

ورود میرزا مهدی‌علی خان، سرسپرده ایرانی کمپانی هند شرقی، در سال ۱۲۱۳ ق/ ۱۷۹۸ م به ایران سرآغاز فعالیت سیاسی انگلیس در کشور برای حفظ هند از خطر حمله زمان شاه افغان و نفوذ فرانسویان در صحنه سیاسی ایران به قصد حمله به

هند محسوب می‌شود. خاوری، نگارنده تاریخ ذوالقرنین، درباره اجرای نخستین خواست انگلیس به منظور دفع خطر افغان‌ها از هند می‌نویسد:

شاهنشاه ممالک ستان بنابر همجواریت ایران و هندوستان نظام کار خراسان را بهانه فرمایند و به آن طرف عزیمت نمایند تا پادشاه افغان به این توهم از عزیمت هندوستان کناره جوید (همو، ص ۱۲۹).

مهدی‌علی خان در نامه‌ای به جاناتان دونکن درباره دومین هدف انگلیس می‌نویسد:

در مورد فرانسویان دستورات اعلی حضرت به تمام بنادر صادر شد و به مسئولان دستور دادند که کلیه مایملک فرانسویان در خشکی و دریا مصادره شود (Kelly, P.374).

مأموریت ژنرال تره‌زل در خلیج فارس برای یافتن پایگاهی نظامی نشان‌دهنده فعالیت نظامی فرانسویان در شرق بود؛ به دنبال آن کمپانی هند شرقی انگلیس تصمیم گرفت تا نماینده‌ای به نام سر جان ملکم را برای مأموریتی سیاسی به ایران و مسقط بفرستد. ملکم با دریافت اطلاعاتی مهم درباره فضای سیاسی ایران از مهدی‌علی‌خان، پس از ورود به ایران موفق شد قراردادی سیاسی و تجاری ببندد؛ دوستی پایدار طرفین، دفع حمله افغان‌ها به هند، کمک نظامی به ایران در صورت حمله فرانسه، منع فرانسویان از ایجاد پایگاه در مرزهای جنوبی از جمله مفاد مهم قرارداد مزبور بود (خاوری شیرازی، ص ۱۴۲). از سوی دیگر ملکم در مسقط با سید سعید بر سر استقرار نماینده کمپانی هند شرقی و جلوگیری از فعالیتهای سیاسی و بازرگانی فرانسویان به توافق رسید (وندل، ص ۸۲).

آغاز جنگهای ایران و روس و برتری نظامی روس‌ها و بی‌اعتنایی انگلیس به درخواست کمک نظامی ایران، سبب چرخش سیاسی دولتمردان فاجاریه به سوی فرانسویان شد و فضای مناسبی برای تحقق اهداف ناپلئون در هند به وجود آورد، اما فرانسویان از این موقعیت و موفقیت مقطعی استفاده نکردند و با انعقاد معاهده تیلسیت با روسیه سبب شدند که ایران به سیاستهای انگلیس توجه کند و این گونه فرانسویان از صحنه سیاسی ایران حذف شدند. دولت انگلیس برای رقابت با کمپانی هند شرقی، نخستین نماینده انتخاباتی خود، سر هار فورد را در سال ۱۲۲۳ق به ایران فرستاد.

سر هار فورد چون در ۲۵ محرم ۱۲۲۴ با در نظر گرفتن وضعیت ایران در جنگ با روسیه و اهمیت استراتژیکی آن در دفع خطر فرانسویان، در مذاکره با میرزا محمد شفیع مازندرانی، صدراعظم فتحعلی‌شاه، موفق شد قرارداد مجمل را منعقد کند. این قرارداد بر دوستی دو جانبه، ابطال عهدنامه‌های ایران با دیگر دولتهای اروپایی (در این مقطع فرانسه)، منع عبور قشون اروپایی (فرانسه) از ایران به منظور حمله به هند، وعده کمک مالی برای تدارک نظامی هنگام حمله دولتهای اروپایی، دخالت نکردن انگلیس در درگیریهای ایران و افغانستان و کمک نظامی در خلیج فارس تأکید می‌کرد.^(۱)

پس از تبیین این عهدنامه، ایران در وضعیت بحرانی جنگ با روسیه نخستین درخواست خود را مبنی بر کمک مالی انگلیس برای مقابله با حمله روس‌ها مطرح کرد، چونز نیز اجرای آن را به امضای قرارداد از سوی پادشاه انگلیس، جرج سوم، موکول ساخت و بدین منظور ابوالحسن خان ایلچی رهسپار انگلیس شد.

ابوالحسن خان ایلچی در سال ۱۲۲۶ق در راه بازگشت با سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار انگلیس، سر گور اوزلی و معاونش، جیمز موریه، همراه شد، اوزلی سردی‌دان بود و به زبان عربی و فارسی و ترکی و انگریزی و فرانسه و روس سخن می‌کرد و خط ایشان

می‌نوشت (لسان‌الملک سپهر، ج ۱، ص ۲۰۸)، او به سبب داشتن این قابلیت‌ها توانست پس از جلب توجه فتحعلی‌شاه و کمک نظامی به ایران، قرارداد مفصل را در ۱۲۲۷ق برای تحکیم مفاد عهدنامهٔ مجمل به امضا برساند.

سرگور اوزلی در مدت کوتاهی، توجه فتحعلی‌شاه و عباس میرزا را به خود جلب کرد و از سوی آنها برای فراهم کردن شرایط صلح میان ایران و روس به سن‌پترزبورگ و تفلیس رفت (مفتون دنبلی، ص ۴۱۴). اوزلی در حالی که تمایل دولتمردان ایران را برای صلح با روسیه دریافته بود، فصل اول قرارداد را به منظور اصطکاک نداشتن منافع روس و انگلیس در مرزهای شمال شرق ایران، براساس منع عبور نیروهای دولتهای اروپایی از ایران، تاتارستان، بخارا، سمرقند استوار ساخت تا احتمال خطر آتی روسیه را پس از خاموش شدن شعلهٔ جنگهای ایران و روس کاهش دهد.

با بستن معاهدهٔ گلستان در سال ۱۲۲۸ق اوزلی از ایران رفت و کوششهای انگلیس برای به دست آوردن موقعیتی همسان با روس‌ها در ایران آغاز شد. این بار سر هنری ایس به بهانهٔ ایجاد تغییر در دو فصل از مفاد عهدنامهٔ مفصل به ایران آمد و در حالی که اوضاع را برای گرفتن امتیازهای بیشتر از ایران مناسب نمی‌دید، قرارداد تهران را به منظور تثبیت سیاستهای پیشین منعقد ساخت.

جیمز موریه در سال ۱۲۱۳ق به لندن رفت و هنری ویلوک به جای او وزیرمختار ایران شد و تا سال ۱۲۴۱ مقام خود را حفظ کرد، اما در این سال بر اثر ایجاد نارضایتی در ایران، به تقاضای میرزا صالح شیرازی، سفیر ایران در لندن، از کار برکنار شد و مکدونالد، سرهنگ پیاده نظام مدرس، به جای او منصوب شد.

در فاصلهٔ انعقاد قرارداد گلستان تا شروع دور دوم جنگهای ایران و روس، انگلیسی‌ها کوشیدند از ایجاد تنش مجدد جلوگیری و با مذاکره مرزهای طرفین را

تعیین کنند. با آغاز دور دوم جنگها، مکنیل، پزشک سفارت و هنری ویلوک برای ایجاد آشتی میان ایران و روس کوشیدند و سرانجام، قرارداد ترکمانچای در ۱۲۴۱ق بسته شد؛ بدین سان انگلیس بار دیگر در زمینه سیاسی ایران نفوذ خود را نشان داد اما به دلیل اینکه روسیه در ضمن قراردادهای گلستان و ترکمانچای امتیازهای مهم سیاسی و تجاری گرفته بود، این کشور نیز خواهان گرفتن امتیازهای متقابل از ایران شد؛ از این رو پس از مرگ مکدونالد در ۱۲۴۷ق و دوره کوتاه سفارت کمپل، نماینده دیگر کمپانی هند شرقی، وزارت امور خارجه انگلیس به سبب حساسیت اوضاع، خود زمام امور دیپلماتیک را در ایران به دست گرفت و مکنیل، نایب دوم سفارت و از «سردمداران مکتب سیاست ضد روسیه» را به جای کمپل منصوب کرد (رایت، ص ۷۷۹).

دوره سفارت مکنیل یکی از مهم ترین و حساس ترین دوران سفارت در ایران عصر محمدشاه است. نقش زیرکانه او در جریان محاصره هرات برای ایجاد صلح و نیز قهر از اردوی ایران، حکومت قاجاریه را نسبت به وفاداری دولتمردان انگلیسی به پیمانهای پیشین مردد ساخت.

انگلیس در این زمان نسبت به اثبات حاکمیت ایران بر هرات با توجه به گسترش نفوذ روسیه در افغانستان از راه ایجاد کنسولگری در هرات، براساس معاهده ترکمانچای حساسیت فوق العاده ای داشت؛ بنابراین با عملکرد مهره ای چون مکنیل، تجهیز قوای دفاعی هرات و با بهره گیری از فشار نظامی خود بر منطقه خلیج فارس موفق شد تا مرزهای هند را حفظ کند.

قهر مکنیل در سال ۱۲۵۵ق روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس را کامیاب به حالت تعلیق درآورد و بازگشت او در سال ۱۲۵۷ق سبب از سرگیری روابط و کامیابی انگلیس در امضای معاهده تجاری شد.

دوران سفارت مکنیل و کلنل جستن شیل

مکنیل پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۵۷ (ق/۱۸۴۱م به دستور پالمستون، وزیر امور خارجه انگلیس، موضوع لغو تجارت برده را در خلیج فارس با دولتمردان ایرانی مطرح کرد. سیاستهای انگلیس در این باره همچون گذشته از یک سو بر مبنای برنامه‌ها و اهداف آینده و از سوی دیگر براساس وضعیت داخلی ایران استوار بود.

یکی از مهم‌ترین اهداف محمدشاه در لشکرکشی به هرات افزودن بر تصرف هرات و آرام سازی مرزهای شرقی ایران، رهایی اسیران ایرانی شیعی مذهب از چنگال ترکمانان و افغان‌ها و بر هم زدن همگرایی آنها در اسیرگیری و خرید و فروش ایرانیان بود؛ پالمستون با توجه به همخوانی این هدف با موضوع تجارت برده در خلیج فارس، دستورهای لازم را برای سفیر انگلیس، مکنیل، صادر کرد.

شایان ذکر است که محمدشاه پس از بازگشت از محاصره هرات در سخنرانیهای خود آزادسازی اسیران ایرانی را از بند سنی‌ها (افغان‌ها و ترکمانان) مطرح کرد:

مردمان ایران چنان تصور نمایند که من از سفر و جنگ خسته شده‌ام یا نیتی را که در پس گرفتن اسرا داشتم تغییر دادم هرگز به خدا قسم، اسیرهای ما خاطر جمع باشند تا جان دارم از این نیت برگشت نخواهم کرد و به فضل الهی همه اسراء را پس خواهم گرفت (اعتقاد السلطنه، ص ۵۰۲-۵۰۱).

پالمستون، مکنیل را مأمور کرد تا با تکیه بر توجه ملتهای جهان نسبت به ممنوعیت تجارت برده، وعده دهد که انگلیس بردگان ایرانی را از اسارت ترکمانان و افغان‌ها نجات می‌دهد و توجه دولتمردان قاجار را به لغو تجارت برده آفریقایی در خلیج فارس جلب کند.

مکنیل به دلایل نامعلومی به توصیه‌های پالمرستون عمل نکرد، اما با حدس و گمان می‌توان گفت که شاه و دولتمردان ایرانی به سبب عهدشکنی فریبکارانه مکنیل در مسئله هرات دیگر به او اعتماد و اطمینان نداشتند و افزون بر آن آشنایی مکنیل به زبان فارسی و ارتباط با شاه و درباریان سبب شده بود تا از باورها و اندیشه‌های حاکم به ویژه عقاید مذهبی و سنتی آگاه باشد، از این‌رو با توجه به موقعیت نامناسب خود و در نظر گرفتن ممنوع نبودن تجارت برده در اندیشه مذهبی حاکمان ایران، صلاح ندید که موضوع ممنوعیت این تجارت را مطرح کند.

با خروج مکنیل از ایران، کلنل جستن شیل، نجیب‌زاده ایرلندی و افسر کمپانی هند شرقی، در ۱۸۴۶م به ایران آمد، وی به مدت دوازده سال در روند روابط سیاسی ایران و انگلیس و در تاریخ مدرن ایران نقشی قاطع ایفا کرد (Amanat abbas, P.46).

از دیدگاه پالمرستون پس از انعقاد قرارداد ممنوعیت تجارت برده با مسقط و همچنین همسانی مذهبی امامان مسقط با حکومت قاجاریه، این مورد می‌توانست دستاویز مناسبی برای آغاز مذاکره باشد؛ بدین ترتیب به کلنل شیل دستور داد تا موضوع انعقاد قرارداد مزبور را مطرح کند و شیل در نامه خود به صدر اعظم با اشاره به این قرارداد خواستار آن شد که اولیای دولت ایران هم فرماتی برای مخالفت معامله سیاهها در بنادر ایران حاضر فرمایند.^(۲)

شیل پس از فرستادن این نامه با صدراعظم، حاجی میرزا آقاسی، گفتگو کرد و پس از چندی برحسب تقاضای وی، درخواست دولت انگلیس را به صورت کتبی به استحضار دولت ایران رساند. این بار کلنل شیل با شرح مفصل چگونگی اجرای عهدنامه امام مسقط و انگلیس از تاریخ ۱۵ محرم ۱۲۶۳ و مأموریت کشتیهای جنگی انگلیس برای نظارت بر جریان منع تجارت برده، از ایران خواست تا در تاریخ یاد شده با نماینده

انگلیس قراردادی همانند قرارداد امام مسقط امضا کند، همچنین با نیک خواندن این عمل انسانی و تأثیر مثبت آن، ایران را نسبت به انعقاد قرارداد ترغیب و تشویق کرد.^(۳) حاشیه نوشت سند یاد شده با دست خط محمدشاه گویای آن است که حاجی میرزا آقاسی موضوع را به اطلاع شاه رسانده است و شاه با موضعی مذهبی و از منظر شریعت اسلام مخالفت خود را بیان کرده و نوشته است:

جناب حاجی، غلام و کنیز خریدن موافق شرع غرای حضرت خاتم الانبیاست
من نمی‌توانم به مردم خودم بگویم حلال شرع را من به شما حرام می‌کنم (همان).

گویا محمدشاه از برانگیخته شدن احساسات مذهبی مردم علیه خود بسیار بیمناک بوده و نوشته است:

کاغذ دولتی و عهد بستن در قوه من نیست، خلاف شرع است (همان).

شیل پس از دریافت پاسخ، نظر مجتهدان تهران را در این باره جویا شد و به گفتگوهای خود با صدراعظم ادامه داد. او در نامه بعدی با اظهار تأسف از پاسخ فرستاده شده، تجارت مزبور را «معامله شیعه» خواند و با در نظر گرفتن احتمال زیان بازرگانان ایرانی به دلیل ممنوعیت تجارت برده، این ضرر را «منفعت» تعبیر کرد (همان). افزون بر آن، سفیر انگلیس با توجه به شنیده‌های خود از مجتهدان تهران درباره مغایرت نداشتن شریعت اسلام با خرید و فروش نکردن برده اظهار داشت:

مسموع شد که خرید و فروش آنها موافق شرع جایز است نه اینکه اگر خرید و فروش نمایند حرام و خلاف شرع باشد (همان).

شیل در ادامه نامه کوشید تا وضعیت سخت و آزاردهنده گرفتن و حمل و نقل بردگان را گوشزد کند و نشان دهد که رویکرد انسانی اروپاییان و امریکاییان در سرکوبی تجارت برده، در موازات کوششهای پی‌گیر محمدشاه در منع اسیرگیری ترکمانان و افغان‌ها از مردم ایران است و دولت ایران را از انعقاد معاهده منع تجارت برده میان دولت انگلیس و دولت عثمانی آگاه سازد و بر اساس گفته پالمستون اهمیت پذیرش و تمایل اولیای دولت ایران را در این باره عملی منحصر به فرد و سبب تحکیم دوستی طرفین قلمداد کند. حاجی میرزا آقاسی نامه شیل را با پرسشی مبنی بر حلال یا حرام بودن عمل منع خرید و فروش بردگان پاسخ داد و با در نظر گرفتن اختلاف مذهب اروپا و امریکا با ایران پیروی از این امر را خلاف شرع توصیف کرد، همچنین حجم گسترده تجارت برده را در قلمرو دولت عثمانی با وجود پیوستن به قرارداد منع، شایان توجه خواند.^(۴)

پس از سکوتی سه ماهه درباره مذاکره‌ها، شیل در جمادی‌الاول ۱۲۶۳ در چند نامه کوتاه با زبان تهدید، انتظار دراز مدت دولت انگلیس را برای توقف تجارت غیرانسانی برده در خلیج فارس در جریان روابط دیپلماتیک دو کشور تأثیرگذار دانست و با یادآوری وعده‌های ایران در این باره، به تأخیر نینداختن بیشتر موضوع را خواستار شد و به توجه ایران بر عملکرد دولت عثمانی تأکید ورزید.^(۵)

حاجی میرزا آقاسی در پاسخ به این نامه در ۱۸ جمادی‌الاول، انزجار اولیای دولت ایران را از چگونگی حمل و نقل بردگان اعلام داشت و با بیان این نکته که رعایای ایرانی به صورت اختصاصی به عمل برده‌گیری، قتل و غارت بردگان نمی‌پردازند و از عاملان فروش محسوب نمی‌شوند، دولت عثمانی و دیگر قدرتهای منطقه را عامل اصلی فروش

برده به ایرانیان معرفی کرد و ممنوعیت واردات بردگان افریقایی به قلمرو این قدرتها را سبب متوقف شدن تجارت برده در ایران دانست.

حاشیه نوشته‌های بعدی با دست‌خط محمدشاه خطاب به حاج میرزا آقاسی است، شاه که ناکامی‌اش را در لشکرکشی به جانب هرات از یاد نبرده و نسبت به سیاستهای انگلیس ظنین شده بود با لحنی مقتدرانه و شکایت‌آمیز نوشت:

اسرای من دویست سیصد هزار در بخارا و خیوه هستند چرا مانع شدند اگر اسیر کردن بد است چرا آن جا عیب نیست. (۶)

محمدشاه با بیان این جمله‌ها و اینکه نمی‌تواند از مسلمان شدن بردگان وارداتی به ایران جلوگیری کند و به گناه و «بدنامی» آلوده شود، گفت که تصمیم دارد به منظور تکرار نشدن تجربه‌های تلخ گذشته، موضع سرسختانه ایران را بر فشارهای سیستماتیک انگلیس غالب سازد.

شیل در ۲۶ جمادی‌الاول نامه دیگری نوشت که معلوم نیست پس از پاسخ محمدشاه و یا پیش از آن بوده است؛ سفیر انگلیس در این نامه، صدراعظم را خطاب قرار داد و درخواست دولت انگلیس را با توجه به انسداد وجه مذهبی مذاکره‌ها مطرح و این‌گونه وانمود کرد که پافشاری ایران تنها بر این وجه منحصر بوده و اکنون دیگر دلیلی برای نپذیرفتن خواست انگلیس وجود ندارد؛ شیل در بخش دیگری از این نامه، زیرکانه درباره درنگ ایران می‌نویسد:

وعده فرموده‌اند به هر نحوی هست این امر را خواهید گذرانید. (۷)

انعطاف‌ناپذیری سیاسی شاه و صدراعظم در بی‌پاسخ گذاشتن نامه‌های مکرر جستن شیل در جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ بسیار آشکار است؛ همچنین از محتوای اسناد مربوط به چهاردهم و هجدهم همین ماه برمی‌آید که دولت انگلیس با وجود پاسخ ندادن ایران، همچنان بر موضع خود پافشاری کرده است.

جستن شیل در ۱۴ جمادی‌الثانی با بی‌دلیل خواندن مقاومت ایران در صدور فرمان، از صدراعظم خواهش می‌کند تا اوراق ارسالی را به نظر شاه برساند و کار را به تعویق نیندازد.^(۸) متن پاسخ این نامه در دست نیست اما از نامه شیل مورخ ۱۸ جمادی‌الثانی مشخص است که پاسخی فرستاده شده است. شیل بار دیگر در این نامه با برشمردن دولتهایی که به اجرای قانون منع تجارت برده رضایت داده‌اند، می‌کوشد تا رضایت ایران را برای برطرف کردن این مسئله جهانی به دست آورد. احتمال پاسخ ندادن و تعلل دولت ایران را نیز با فرض وجود منع شرعی بی‌مورد می‌داند و پاسخ دریافتی خود را از مجتهدان کافی و وافی توصیف می‌کند؛ همچنین پاسخ نامه‌های دوم، هشتم و دوازدهم جمادی‌الثانی را از صدراعظم می‌خواهد.^(۹)

انعقاد عهدنامه ارزنه‌الروم در ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ و تمایل دولت عثمانی نسبت به منع ورود بردگان از اروندرود به بصره، حجم تجارت برده را از این منطقه به ایران کاهش داد، اما ایران به چنین ممنوعیتی رضایت نداد و بیم آن می‌رفت که جریان قاچاق بردگان در سرحدات ایران و عثمانی برای انگلیس مشکلات بسیاری ایجاد کند؛ از این رو شیل در ماه بعد بار دیگر به حاجی میرزا آقاسی اطلاع داد که در محرمه بازار بزرگ برده‌فروشی وجود دارد و این مهم به عهدنامه انگلیس و عثمانی در مورد توقف تجارت برده لطمه وارد خواهد آورد؛ شیل در پایان عریضه خود با طرح این موضوع که

رواج برده‌فروشی در خرمشهر به نوع عملکرد دولت ایران برمی‌گردد، از «امنای دولت ایران» خواست تا در این باره با دولت انگلیس قراردادی منعقد کنند.^(۱۰)

این بار هم ارتباط مستقیم تشدید فشارهای انگلیس با موضع شرعی دولت ایران در برابر منع تجارت برده در جوابیهٔ محمدشاه بروز می‌یابد:

خلاف مذهب من است خلاف دین من است و من لم یحکم بما انزل الیه لیت
 هم الکافرون و هم المنافقون و الفاسقون آیه صریح قرآن است یک شوخی است
 که دولت انگلیس تأسف می‌خورند که چرا این هر سه فقره را که در قرآن است
 من قبول نمی‌کنم.^(۱۱)

شایان ذکر است که در این زمان کمکهای مالی شیل به فتنهٔ سالار در خراسان، در ذهن محمدشاه گمانهایی ایجاد کرده بود و این امر بر سر سختی و پایداری ایران می‌افزود.^(۱۲)

در این هنگام، دولت انگلیس توانسته بود با دولت عثمانی، امام مسقط و دیگر شیوخ عرب حاشیهٔ جنوبی خلیج فارس قراردادهایی منعقد و گشت‌زنی دریایی خود را در آبهای خلیج فارس به منظور تجسس کشتیهای مشکوک به حمل برده آغاز کند؛ شیل نیز در ۵ شوال ۱۲۶۳ برای چندمین بار انعقاد عهدنامه‌های انگلیس را دربارهٔ توقف تجارت برده تکرار و مأموریت نیروهای این کشور را در آزادسازی بردگان گوشزد کرد و صدور فرمان دولت ایران را به دو دلیل مفید دانست: (۱) لغو فروش بردگان؛ (۲) جلوگیری از وارد آمدن زیان به بازرگانان و رعایای ایرانی و طلب خسارت از دولت ایران به دلیل صادر نکردن فرمان.^(۱۳)

محمدشاه پاسخ نامهٔ مزبور را به حاجی میرزا آقاسی نوشت؛ شاه با تکیه بر حقوق دولتی و اشارهٔ ضمنی به بی‌اعتمادی دولت ایران نسبت به سیاستهای انگلیس به ویژه در

مورد ملاقات نکردن ملکه ویکتوریا با حسین خان آجودانباشی در سال ۱۲۵۵ق، شکایت ایران را به پادشاه انگلیس درباره صدمه مأموران انگلیسی به رعایای ایرانی اعلام داشت:

جناب حاجی با حق دولتی اگر کسی آدم ما را اذیت کند آن وقت ما هم به پادشاه انگلیس اگر ایلچی را راه بدهد می‌نویسیم. (۱۴)

در بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران درباره مذاکره‌ها و نامه‌های موردنظر چند سند بدون تاریخ اما مهم نگهداری می‌شود که مربوط به سال ۱۲۶۳ق است. به احتمال یکی از اسناد مزبور قبل از درخواست ۲۳ رجب نگاشته شده؛ زیرا از لحاظ مفهومی راهکارهایی مشابه مضمون نامه ۲۳ رجب در آن ارائه شده است. محتوای این سند نشان می‌دهد که شیل در زمان نقاهت محمدشاه نامه را خطاب به وی نوشته است. قصد و غرض او از نگاشتن این نامه تهنیت انعقاد عهدنامه آرنه‌الروم و تأکید بر قرارداد انگلیس و عثمانی در ممنوعیت تجارت برده و تشریح موقعیت خرمشهر در جریان این تجارت و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران است. (۱۵)

در این نامه چند نکته مهم وجود دارد:

۱) ادبیات مؤدبانه؛

۲) بزرگ‌نمایی ضمنی کوششهای انگلیس در جریان انعقاد قرارداد آرنه‌الروم و

الحاق خرمشهر به قلمرو ایران؛

۳) احتمال تبدیل شدن خرمشهر به بازار برده‌فروشی؛

۴) نبود منع شرعی و انسانی در صدور فرمان منع تجارت برده از سوی ایران.

سند دیگری که تاریخ روز و ماه آن مشخص نیست اما در سال ۱۲۶۳ ق نگارش شده مربوط به تقاضای نماینده انگلیس درباره رسیدگی به خرید و فروش سیاهان افریقایی و نوع عملکرد دولت ایران در این زمینه است. این نامه با مهر جستن شیل بر مسدود شدن یکی از مفاهیم نظری و عملی کهنه در منظومه اندیشه حکومتگران ایرانی تأکید دارد و آن همانا تفکیک ناپذیری دین و سیاست در عرصه نظر و عمل سیاسی است؛ شیل در این نامه برای جلوگیری از استشهاد حکومت ایران با علما درباره داد و ستد بردگان افریقایی بسیار می‌کوشد و با تکیه بر منع سریع درخواست استشهاد از علما و یا به قول خودش «ملاها» از بیم آن که نتیجه استشهاد، کوششهایش را بر باد دهد می‌نویسد:

این امر امر دولتی است نه ملایی ... موقوف فرمایند که به هیچ وجه مناسب نیست و بلکه بدآیند است. (۱۶)

اگرچه شیل برای اجرای مأموریت خود در ایران راهکارها و تاکتیکهای سیاسی متعددی را پی‌گرفت، روند مذاکره‌ها و مکاتبه‌های طرفین مایوس‌کننده و بی‌نتیجه بود؛ این در حالی صورت می‌گرفت که جریان تجارت برده در حوزه خلیج فارس با توجه به اجرای قانون ممنوعیت، به جای سواحل عربی (به ویژه جنوب خلیج فارس) به بندرهای ایرانی به ویژه بوشهر و بندر لنگه منتقل شد و پافشاری مقامات بریتانیایی برای به نتیجه رسیدن مذاکره با ایران افزایش یافت. (۱۷) از این رو شیل برای دریافت ایده‌ای مناسب‌تر در مذاکره‌ها به پالمرستون نوشت:

من حرفهای دیگری برای متقاعد کردن شاه ندارم تا بر اصرار او فایق بیایم،
خواهش می‌کنم عقیده بهتری به من بدهید این بحث‌ها نظر او را تغییر نخواهد
داد (Kelly, P.56).

پس از آنکه شیل از پالمستون پاسخی دریافت نکرد، با توجه به تأثیر بیشتر راهکاری عملی، پیشنهاد داد که رزمناوهای انگلیس کشتیهای ایرانی حامل برده را در سواحل خلیج فارس توقیف کنند، اما پالمستون از بیم آنکه دولت روسیه بخواهد امتیاز مشابهی در دریای خزر به دست آورد، نظر شیل را رد کرد. با این حال کارهای مؤثر هنل، نماینده مقیم بوشهر، در برابر تجارت برده در شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس سبب شد که پالمستون از شیل بخواهد با تهدید قطع دوستی انگلیس، ایران را از تجسس و بازرسی کشتیهای عثمانی، شیخ‌نشین‌ها و کشتیهای ایرانی آگاه کند.

شیل در بازگویی سفارشهای پالمستون با مخالفت جدی و شدید حاجی میرزا آقاسی روبه‌رو شد، اما از اسناد بر جای مانده پیداست که مأموران انگلیس خریداران و فروشندگان برده را متوقف می‌کردند و از آنها جریمه می‌گرفتند.^(۱۸)

سفیر انگلیس در گام بعدی با توجه به موضع مذهبی ایران درصدد برآمد از طریق راولینسون، سفیر مقیم بغداد، از علمای نجف و یا کربلا درباره ممنوعیت شرعی تجارت برده نظرخواهی کند، اما براساس اظهار عقیده یکی از علمای نجف، در اسلام هیچ‌گونه تحریمی درباره این موضوع وجود نداشت و این بار هم شیل موفق نشد و به ناچار از تهران به لندن رفت؛ بدین‌سان عملکرد جستن شیل در ایران به دلیل استفاده از تنشهای مذهبی و نیز نقش شبهه‌آمیزش در پاره‌ای از وقایع داخلی ایران نتیجه‌ای نداشت و کلنل فرانسیس فرانت از هنگ سوار نظام بمبئی مأموریت او را پی گرفت.

پالمرستون به فرانت سفارش کرد تا دولت ایران را از توقیف کشتیهای ایرانی که به سواحل عربی خلیج فارس برده وارد می‌کنند، آگاه سازد و تمایل ایران را نسبت به صدور فرمان جلب کند، در غیر این صورت انگلیس مجبور خواهد شد که تفتیش و بازرسی کشتیهای ایرانی مشکوک به حمل برده را آغاز کند (Kelly, P.598).

ورود فرانسویس فرانت، صدور فرمان محمدشاه

فرانت هنگامی وارد ایران شد که مقدمات انعقاد عهدنامه ارزنة الروم میان ایران و عثمانی با کوشش وزرای مختار انگلیس و روس فراهم شده و به سرانجام رسیده بود و این مهم می‌توانست بر وعده ایران درباره صدور فرمان منع تجارت برده از خلیج فارس به شرط روشن شدن وضعیت عهدنامه ارزنة الروم مؤثر واقع شود؛ بدین سان فرانت با مطرح کردن موفقیت انگلیس در جانبداری سیاسی از ایران در جریان انعقاد قرارداد مزبور با بیانی مؤدبانه و احترام‌آمیز از ایران خواست تا با صدور فرمان سبب خشنودی مقامات و مردم انگلیس شود.^(۱۹)

نامه دیگری از فرانت به صدراعظم به تاریخ ۱۷ صفر ۱۲۶۴ وجود دارد که از سطرهای پایانی آن پیداست در پاسخ ایران به تقاضای فرانت نگاشته شده است. فرانت در این نامه با اشاره به انتظار سه ماهه انگلیس برای دریافت پاسخ، از حاجی میرزا آقاسی می‌خواهد که برای سرعت بخشیدن به جریان نامه‌نگاریها و مشخص شدن نتیجه، پاسخی روشن برای لرد پالمرستون بفرستد؛^(۲۰) سپس حاجی میرزا آقاسی در نامه‌ای به فرانت پاسخ ایران را به زمان رسیدن خبر مبادله عهدنامه ارزنة الروم موکول می‌سازد،^(۲۱) اما در جریان سفر آصف الدوله و خواهرش مهدعلیا به زیارت مکه و عتبات عالیات، حمایت سیاسی انگلیس از آصف الدوله بدان حد رسید که: *بزرگان عثمانی در امضای هیچ امری به*

رضای او جنبش نمی‌کردند و به خلاع گرانها و بذلهای گران او مفتخر و شاد خاطر بودند (لسان‌الملک سپهر، ج ۲، ص ۸۷۴). این موضوع در جریان روابط ایران و انگلیس تردید ایجاد کرد، به ویژه آنکه سفیر ایران در استامبول هنگام تقدیم هدیه‌ها به دربار عثمانی با واسطه‌گری آصف‌الدوله روبه‌رو شد و از این بابت به کنسول انگلیس در استامبول شکایت کرد. (۲۲)

بدین ترتیب نارضایتی دولت ایران از این جریان بر پاسخ نامه فرانت درباره ممنوعیت تجارت برده نیز اثر گذاشت. به دنبال آن فرانت در نامه خود با لحنی اطمینان‌بخش دوستی انگلیس و شفاف بودن عملکرد مأموران انگلیسی را تأیید و درخواست قبلی خود را مطرح کرد؛ جالب آنکه این بار از دولت ایران خواست که آزادانه موافقت یا مخالفت خود را کتبی اعلام کند؛ البته درباره مخالفت ایران زیرکانه نوشت:

اگر هم قبول نمودند و وعده‌های خود را منظور ندارند مرقوم دهند (همان).

فرانت در ۱۶ جمادی‌الاول همین سال با اعلام خبر مبادله و امضای عهدنامه ارزنة‌الروم، خواهش خود را از ایران تکرار کرد و فرصت را برای اظهار دوستی ایران به انگلیس مغتنم شمرد؛ سپس حرکت چابار دولتی انگلیس را در روز ۱۸ جمادی‌الاول و لزوم فرستادن گزارش دولتی را به آگاهی صدراعظم رساند و بدین سان به جریان پاسخ ایران شتاب دیگری بخشید. (۲۳)

سرانجام، فرانت در ۱۰ رجب ۱۲۶۴ فرصت ایران را برای فرستادن پاسخی روشن به همان روز محدود کرد و محمدشاه به دلیل رضایت از برخورد محترمانه او، در همان روز فرمان منع تجارت برده را از خلیج فارس صادر کرد، اما درباره واردات برده از راه خشکی هیچ تضمینی نداد و به حاجی میرزا آقاسی نوشت:

جناب حاجی نگذارید دیگر از راه دریا کنیز و غلام وارد شود بگذار از راه خشکی بیاورند این مرحمت فقط در حق فرانت صاحب می‌شود، من از او خشنود می‌باشم من اجازه را فقط برای حسن رفتار فرانت می‌دهم والا بین ما و دولت انگلیس هنوز خیلی اختلاف وجود دارد. (۲۴)

صدراعظم در نامه‌ای به فرانت، صدور فرمان شاه و اعلام این فرمان را به حاکمان اصفهان و عربستان و فارس اطلاع داد و فرمانهایی نیز خطاب به حاکمان یاد شده فرستاد. حاجی میرزا آقاسی در متن نامه خود، زمان موافقت شاه را در اعلام فرمان در «موقع خاص» می‌خواند که شاید اشاره به هنگام بیماری محمدشاه باشد. افزون بر آن از کوشش خود سخن به میان می‌آورد و توقع وزرای ایران را از وزرای انگلیس به سبب حفظ روابط دوستی و صمیمیت بدین گونه مطرح می‌سازد که آنها نیز نسبت به خواهش وزرای ایرانی از هیچ کوششی فروگذار نکنند (همان).

با توجه به موضع اولیه ایران در برابر مسئله تجارت برده، انگلیس به دلایل زیر توانست به خواسته خود برسد:

- ۱) غلبه احساسات شخصی شاه بر دقایق دیپلماتیک؛
- ۲) توجه نکردن به موضع مذهبی؛
- ۳) وعده دادن از سوی ایران؛
- ۴) کوشش انگلیس برای تحقق وعده‌های ایران؛
- ۵) رفتار اطمینان‌بخش فرانت؛
- ۶) کوشش فرانت برای سرعت بخشیدن به روند پاسخ‌دهی ایران.

درباره صدور فرمانهای همایونی به نام میرزا نبی‌خان، حکمران اصفهان و عربستان و حسین‌خان مقدم (نظام‌الدوله) والی فارس و بنادر باید گفت که هر دو نامه با وجود شباهت مفهومی و تأکید بر اطلاع‌رسانی به بازرگانان و تاجران برده برای ممنوعیت وارد

کردن برده، لحن متفاوت داشت؛ لحن نامه والی فارس خشن بود و حتی به تنبیه خطاکاران نیز اشاره شده بود، اما در فرمان حکمران اصفهان و عربستان با وجود تفصیل بیشتر، به مجازات و تنبیه اشاره‌ای نشده بود،^(۲۵) این موضوع همراه تعیین محل توقیف و تنبیه در بلند مدت و در دوره ناصرالدین شاه سبب بحث‌هایی شد؛ زیرا انگلیس در این مقطع به صدور چنین فرمانی اکتفا کرد تا زمینه برای کارهای آتی در ایران و خلیج فارس فراهم شود.

نتیجه

بررسی مواضع و رویکردهای ایران و انگلیس درباره موضوع تجارت برده در خلیج فارس از لابه‌لای اسناد برجای مانده از دوره قاجار نشان‌دهنده چگونگی روند نفوذ فزاینده و کنترل و تسلط انگلیس بر اوضاع خلیج فارس است. فشارهای انگلیس درباره مسئله لغو تجارت برده و مسائل دیگر سبب شد تا سردمداران قاجاری به مشکلات این منطقه توجه کنند؛ از جمله محمدشاه، محمد ابراهیم کازرونی را به نواحی جنوبی فرستاد تا اطلاعات گوناگونی درباره وضعیت این مناطق گردآوری کند. شایان ذکر است که بخش اعظم این نوشتار براساس اسناد و مدارک داخلی و با توجه به اثر تحقیقاتی جی. بی. کلی نگاشته شده، این در حالی است که با دسترسی به مراکز آرشیوی اسناد انگلیس می‌توان تصویر روشن‌تری از این موضوع ارائه داد؛ بنابراین این تحقیق سر آغازی است بر تحقیقات ژرف‌تر آینده.

کتابنامه

- اعتضاد السلطنه، علی قلی میرزا، اکسیر التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: یاسمن، ۱۳۷۰.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل الله، تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، به تصحیح ناصر زرافشار، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.
- رایت، دنیس، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، برگردان: کریم امامی، تهران: نشر نو و زمینه، ۱۳۶۸.
- لسان‌الملک، سپهر، محمدتقی‌خان، ناسخ التواریخ، ج اول و دوم، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، مآثر السلطانیه، به تصحیح و تحشیه غلام حسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه انتشاراتی ایران، ۱۳۸۳.
- وندل، فیلیپس، تاریخ عمان، برگردان: محمدمبین عبدالله، چ پنجم، ۲۰۰۳/۱۴۲۴.
- Amanat abbas, **Pivot of the Universe**, University California Press, Apr 4 1997
- Kelly G.B., **Britian and the Persian Gulf**, Vol 2, Oxford, 1968.

اسناد

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره: ۱۲-۱-۱۲۲۴ق.
۲. همان، سند شماره: ۳-۵-۱۲۶۲-۱۲۵۶ق.
۳. همان، سند شماره: ۳۸-۵-۱۲۶۲-۱۲۵۶ق.
۴. همان، سند شماره: ۳-۵-۱۲۶۳-۱۲۵۶ق (نامه صدر اعظم به شیل، مورخ غره محرم ۱۲۶۳).
۵. همان، سند شماره: ۶-۶-۱۲۶۳ق.
۶. همان، سند شماره: ۳-۵-۱۲۶۳-۱۲۵۶ق (حاشیه نوشت محمدشاه به صدر اعظم، مورخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۲۶۳).
۷. همانجا، سند شماره: ۵-۶-۱۲۶۳-۱۲۶۹ق (نامه شیل به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۲۶۳).
۸. همانجا، (نامه شیل به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳).
۹. همانجا، (نامه شیل به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۱۸ جمادی‌الاولی ۱۲۶۳).
۱۰. همانجا، (نامه شیل به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۲۳ رجب ۱۲۶۳).

۱۱. همانجا، (حاشیه‌نوشت با دست‌خط محمدشاه).
۱۲. همانجا، (نامه شیل به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۲۹ رمضان ۱۲۶۳).
۱۳. همانجا، (نامه شیل به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۵ شوال ۱۲۶۳).
۱۴. همانجا، (حاشیه‌نوشت محمدشاه خطاب به حاجی میرزا آقاسی).
۱۵. همانجا، (نامه شیل به محمدشاه).
۱۶. همانجا، (نامه شیل به حاجی).
۱۷. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره: ۱۵-۶-۱۲۶۳ ق و سند شماره: ۵-۶-۱۲۶۹-۱۲۶۳ ق.
۱۸. همان، سند شماره: ۳۸-۵-۱۲۶۲-۱۲۵۶ ق.
۱۹. همان، سند شماره: ۶-۶-۱۲۶۹-۱۲۶۴ ق (نامه فرانت به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۸ صفر ۱۲۶۴).
۲۰. همان، سند شماره: ۲۸-۵-۱۲۶۴-۱۲۵۶ ق.
۲۱. همان، سند شماره: ۳-۵-۱۲۶۴-۱۲۵۶ ق.
۲۲. همان، سند شماره: ۶-۶-۱۲۶۴ ق (نامه فرانت به حاجی میرزا آقاسی، مورخ ۱۰ جمادی‌الاول ۱۲۶۴).
۲۳. همانجا، (نامه فرانت به حاجی، مورخ ۱۶ جمادی‌الاول ۱۲۶۴).
۲۴. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره: ۳-۵-۱۲۶۴-۱۲۵۶ ق.
۲۵. همانجا، (ملفوفه‌های فرمان همایونی به حکمران عربستان و اصفهان و فارس، مورخ ۱۰ رجب ۱۲۶۴).